

تاریخ کیش زرتشت

جلد اول

اوایل کار

تألیف

میرزا یونس

استاد ممتاز مطالعات ایرانی در دانشگاه لندن

ترجمه

همایون صنعتی زاده



۱۳۹۳

فهرست

- ۹ ☐ یادداشت ترجمه
- ۱۱ ☐ پیشگفتار

بخش اول

زمینه کافری

- ۱۹ فصل اول: کلیات
- ۳۹ فصل دوم: ایزدان ایرانیان کافر
- ۱۰۷ فصل سوم: دیوان، بدکاران، موجودات مانوس، نخستین انسان و قهرمانان
- ۱۳۳ فصل چهارم: مرگ، مراسم تشییع، آخرت
- ۱۵۷ فصل پنجم: طبیعت گیتی و چگونگی آفرینش
- ۱۷۹ فصل ششم: آیین کافری

بخش دوم

زرتشت و آموزه‌های او

- ۲۱۷ فصل هفتم: زرتشت
- ۲۳۱ فصل هشتم: اهورامزدا، انگره‌مینو و امشاسپندان
- ۲۷۱ فصل نهم: دو حال و سه زمان

بخش سوم

دوره پیش از کیش زرتشتی

- ۲۹۳ فصل دهم: سده‌های از یادرفته
- ۳۲۳ فصل یازدهم: افسانه زرتشت و پسرانش
- ۳۴۱ فصل دوازدهم: فرایض تطهیر
- ۳۷۳ پیوست: مراسم تشییع زرتشتیان
- ۳۸۱ ☐ فهرست اعلام
- ۳۹۵ ☐ کتابنامه و اختصارات

یادداشت مترجم

کتابی که ترجمه فارسی آن را در دست دارید، از مهم‌ترین تألیفات علمی و تخصصی منتشرشده در زمینه کیش ررتت و تاریخ تحولات آن است. انگیزه مترجم در این کار فراهم آوردن امکان دسترسی به مطالب متن و قائل تأمل آن برای فارسی‌زبانانی است که در کاربرد زبان و خط انگلیسی مهارت ندارند و نمی‌توانند مستقیماً از متن اصلی بهره بگیرند.

مترجم می‌داند در موضوع کتاب صاحب تخصص و تبخر نیست و آن‌گونه که باید و شاید از اصطلاحات و واژه‌های آن آگاهی ندارد؛ پس چه‌بسا ترجمه نمی‌تواند دقیق و شایسته چنین متنی باشد. مترجم علاوه بر گناه تکیه بر برگزیده‌ی برگزیده‌ی بزرگان بردن، خطاهای دیگری نیز مرتکب شده است، از جمله به جای ترجمه نصوص منابع دست اول که بانوی دانشمند مؤلف کتاب بی‌دریغ از آن‌ها سود جسته، تا آنجا که ممکن و موجود باشد، از ترجمه‌های فارسی آن منابع و مآخذ استفاده و نقل کرده است. زیرا ترجمه‌ها به‌آسانی در دسترس خوانندگان فارسی‌زبان است و مترجم در آوردن مطالب از زبان بیگانه به فارسی بیش از حد تمایل به فکر خواننده هم‌زبان خویش است.

در آوردن یادداشت‌های فصل‌ها توجه عمده مترجم، احتیاج خواننده فارسی‌زبان به آن تعداد از ارجاعات مؤلف بود که بتواند نیاز او را برآورد و مخصوصاً در مواردی که مؤلف به‌مآخذ و منابع متعدد ارجاع داده بود، این‌گونه تصرفات بیشتر بوده است. در مواردی هم که یادداشت‌ها محتوی مقدار زیادتری از نام‌های کتب نقل شده بود، عین عبارت مؤلف به‌صورت اصلی آمده، البته مراجعه به متن انگلیسی، نیاز متخصصانی را که می‌خواهند دقیق‌تر به‌مآخذ مذکور دست یابند، رفع می‌کند.

مترجم وامدار دانشمند محترم آقای دکتر ماهیار نوایی استاد گرانقدر زبان‌های ایرانی است که در چندین جلسه او را راهنمایی کرد و آموزش داد تا واژه‌های اوستایی و پهلوی را درست تلفظ کند. متن این کتاب در مجموعه Handbuch der Orientalistik زیر نظر مورخ مشهور

برتولد اشپولر در سال ۱۹۷۵ میلادی منتشر شده است که همه اجزای آن منحصرأ جنبه علمی، دانشگاهی و تخصصی دارد. مطالعه چنین کتابی برای کسانی که بخواهند در زمینه تاریخ ایران به خصوص روزگاران پیش از اسلام مطالعه و تحقیق کنند سودمند است. مترجم امید می‌ورزد کتاب آنچنان مورد توجه قرار گیرد که نیاز به ترجمه دقیق‌تر آن احساس شود.

ه. ص. ز

www.ketab.ir

پیشگفتار

عمر پژوهش جدی غربی‌ها درباره زرتشتیگری، هنوز از دویست سال نگذشته است. در پایان سده هیجدهم تفسیرهای قدیمی از مقدس زرتشتیان، که مجموعاً اوستا نامیده می‌شود، آغاز گردید. از روزگار یونان باستان، دانشمندان با اسم زرتشت به عنوان حکیم افسانه‌ای شرق آشنا بودند. چون اوستا سرانجام به دست پژوهشگران افتاد، با اشتیاق در آموزه‌های وی به جستجو پرداختند تا این شهرت و اوستا را تبیین کنند. در آن روزگار فضلا و ادبای مغرب‌زمین هنوز به مرجعیت دوگانه مسیحیت و یکسوی عقل و منطق از سوی دیگر اعتقاد داشتند. پیشرفت‌های علمی هنوز اعتبار و حیثیت بسیار مخوش نساخته بود. از آنجا که بنیانگذار کیش زرتشتی را یکی از بزرگ‌ترین حکمای تاریخ می‌دانستند، توقع داشتند دین او آیینی پذیرفتنی برای هر مسیحی معقول و اهل منطق باشد. چنین با مطالعه این متن‌های مقدس آشکار شد که کیش زرتشتی، برعکس، از هر نظر مبنی بر و ناآشناست، برآشفته و آزرده شدند. دریافتند در کیش زرتشتی علاوه بر خدای یک و آریمن، گروهی از ایزدان نیز با انبوهی از فرایض دشوار و مراسم پیچیده، پرستش و ستایش می‌نمودند. نتیجه آمیخته شدن کیش مسیحیت به‌آشنایی با اساطیر یونانی، این یقین در اروپا پدید آمد که شرک و اعتقاد به انواع ارباب از ویژگی‌های روزهای کودکی نسل آدمی بوده و همه اقوام و ملل پیشرفته و متمدن، موحد و یکتاپرست هستند. از این گذشته مسیحیان پروتستان (که اکثر پژوهشگران زرتشتیگری را در دامن خویش پرورانده بودند) به هر گونه آداب و رسوم، حتی در مورد خدای یکتا با بدبینی می‌نگریستند. پس پذیرفتن زرتشتیگری رایج و کوشش در پی بردن به آموزه‌های آن به وسیله سنت موجود و زنده، خارج از حوصله و توانایی شعور پژوهشگران غربی بود.

راه‌گریز از این بن‌بست را سرانجام «مارتین هوگ Martin Haug» دانشمند تیزهوش زبان‌شناس پیدا کرد. با رنج بسیار گات‌ها را (که از هفده سرود باستانی تشکیل می‌شود) به عنوان تنها بخش اوستا که اثر طبع خود زرتشت است، از بقیه آن جدا ساخت. آن‌گاه با ساده‌لوحی

معصومانه‌ای در صدد برآمد این متن‌های باستانی بی‌اندازه دشوار را (که در ترجمه و درک محتوای آن‌ها هیچ دو پژوهشگری تا به امروز به توافق نرسیده‌اند) فارغ از اعتقادات واقعی و آداب و فرایض زرتشتیان، تفسیر و معنا کند. می‌پنداشت نیاکان پیروان زرتشت از همان آغاز امر از درک تعالیم او عاجز بوده و آن‌ها را تحریف کرده‌اند. او در نقش کاشفی پیشقدم، به اندازه‌ای با این سروده‌های دشوار و رازآلود کلنجار رفت تا سرانجام زرتشتی را معرفی کرد که به‌شدیدترین وضع یکتاپرست بود؛ حتی یکتاپرست‌تر از انبیای عبرانی‌ها. در ضمن، مجموع مراسم و آداب فرایض و واجبات زرتشتیان را به‌استثنای نیایش‌های آنان، مردود شناخت. می‌پنداشت زرتشت پیامبر ایران باستان چنان یکتاپرستی منطقی و اخلاقی‌ای را تعلیم داده بود که با اندیشه‌ها و آداب و رسوم مردم عصر او فاصله فراوان داشته است. هرچند قوم وی سرانجام آموزه‌های او را گردن نهادند، اما چیزی نگذشت که از تحمل ریاضت‌های ناشی از محرمات و منتهیات آن‌ها جز مانده، آن را تحریف کردند و دوباره کم و بیش به دامن باورها و رسوم کهن خویش بازگشتند.

یکی از عوارض این ساده‌گامی دادن تعالیم زرتشت، به تأخیر انداختن آگاهی از نقش حیاتی او در شکل دادن به اندیشه‌ها و باورهای مربوط به آمدن منجی موعود و روز رستاخیز بود. اندیشه‌هایی که بعدها تأثیری زرف‌رگس زده بر یهودیت، مسیحیت و اسلام گذاشت. سعی «هوگ» در افزودن بر حیثیت زرتشت و رواج سبب تحقیر نقش او در تاریخ اندیشه بشری گردید. اما نظریاتش عامل مؤثری در گسترش باورهای زرتشتیگری و حتی زرتشتیگری نوین شد. پژوهشگران اروپایی بر این نظریات - که سبب شده بود زرتشت برای اروپای قرن هجدهم و فرهنگ آن پذیرفتنی شود - صحنه گذاشتند. هند، که خود هوگ در سال‌های ۱۸۶۰ نظراتش را در آنجا شرح می‌داد، با گرمی مورد استقبال گروهی از زرتشتیان واقع شد. این گروه آن دسته از پارسیان بمبئی بودند که به سبب تمدن غربی تقریباً شده بودند. حال دچار این مسئله بودند که چگونه میان آداب و رسوم و آیین‌ها و طریقه‌های کیش کهن خود با اندیشه‌های علمی سده نوزدهم هماهنگی ایجاد کنند و در ضمن حیثیت و جایگاه تاریخی آن را در برابر هجوم مبلغان پروتستان مسیحی حفظ نمایند. پس نظریات هوگ را با حلی ساده و سریع و قطعی یافتند. پشتیبان بی‌دریغ و پرو پاقرص آن شده، گفتند که زرتشت نه تنها با ثنویت بیگانه بوده - اعتقادی که در نظر مسیحیان یکتاپرست مذموم بود - بلکه مبشر کیشی بسیار ساده و فارغ از هر گونه مراسم و آداب و ظرایف اعتقادی بوده است. می‌گفتند لازمه پیرو راستین زرتشت بودن، اصلاح کیش موجود بر این اساس است تا بار دیگر تبدیل به دینی شود که هر انسان اندیشمند و موحد بتواند با رغبت به آن بگردد.

وسیله ابراز عقاید این گروه اصلاح‌طلب و متعصب، زبان انگلیسی بود. پس آنچه در اروپا

در این زمینه شنیده می‌شود گفته‌های اینان بود. دور تسلسل کامل شد. نظرات آنان مورد استقبال گرم شارحان و مفسران غربی این کیش قرار گرفت؛ اما در جامعه زرتشتیان با مخالفت شدید و جدی روحانیان زرتشتی و زرتشتیان معمولی روبه‌رو شد که حاضر نبودند باورها و رسوم آیین‌های اجداد و نیاکان خود را رها کرده، مذهبی من‌درآوردی و متأثر از فرهنگ غربی را جایگزین آن کنند. در اروپا نیز مکتب یکتاپرستان منطق‌گرا، منتقدانی داشت. پاره‌ای از این انتقادکنندگان از سوی دیگر راه افراط را پیمودند و زرتشتیگری را گونه پرستش ارباب انواع سستی دانستند که تفاوت چندانی با باورهای هندوان ودایی نداشت. این مناقشه پژوهشگران در پایان سده نوزدهم، همانند اختلاف میان پارسیان هند، به سده بیستم کشیده شد. دشواری پیدا کردن نقطه مشترک میان دو طرف به تفسیرها و تعبیرهای تازه و تازه‌تر در اروپا و هندوستان منجر شد. مسیرهایی که فاصله آن با واقعیات آثار مقدس زرتشتیگری و سنت‌های زنده آن روز به روز زیادتر شد. می‌توان گفت اقتضای طبیعت پژوهشگری غربی بیشتر توجه به متن‌ها و نوشته‌ها را بر عمل می‌شود؛ رسم است بیشتر به آیین‌ها و اساطیر بپردازند تا به رفتار و کردار پیروان. این گونه برخی سبب شده تا توسن خیال پژوهشگران زودتر و آسان‌تر افسار پاره کند.

همان گونه که فرضیه‌های مربوط به زرتشتیگری در سده اخیر چندین برابر شده است، آگاهی‌های واقعی درباره همه جوانب این کیش به سبب تلاش زبان‌شناسان، مورخان، باستان‌شناسان و سکه‌شناسان گسترش یافته است. به‌ویژه پژوهشگران زرتشتی که سرانجام بر عادت پنهان کاری ناشی از قرن‌ها ستم و آزار فاسی آمده، طرح‌های مفصل درباره آداب دینی و رسوم خویش نوشته‌اند و متن‌های دست دوم فراوانی مندرج در سینه‌ها، میراث دینی خود را با دیگر اقوام و ملل در میان گذاشته‌اند.

برای پژوهشگر غربی بهره‌وری از این انتشارات همیشه آسان نبوده؛ به‌ویژه آنچه درباره آیین‌ها تألیف شده است. پاره‌ای از این آثار را با این فرض نوشته‌اند که خواننده با مطلب آشناست، حال آنکه دید مذهبی این نوشته‌ها برای خواننده، ناشناخته است. بعضی از آن‌ها اصلاً مطالعه نشده‌اند و به رغم مآخذ تازه، پاره‌ای از بدفهمی‌ها همچنان ادامه دارد. به نظر می‌آید برای دستیابی به دیدگاهی که از آنجا بتوان تحولات اخیر زرتشتیگری را ارزیابی کرد و در ضمن وسیله‌ای یافت تا انبوه مدارک به دست آمده از دوره‌های باستانی‌تر را مدون ساخت، بهترین راه، تألیف تاریخ پیوسته و ناگسسته این کیش از ظهور زرتشت تا به امروز باشد. تاریخی که شکاف‌های معمولی، مثلاً پانصد سال دوره اشکانیان یا هزار سال پس از اسلام در آن وجود نداشته باشد تا نیاز به پرسش از روی این شکاف‌ها با توسن خیال پیدا نشود. به سبب قلت منابع، به انجام رساندن چنین وظیفه‌ای سهمگین می‌نماید، اما اکنون به آن اندازه منابع و

مآخذ فراهم شده که انجام چنین امری ناممکن نیست. مؤلف به‌هنگام بر عهده گرفتن این مهم، بنا را بر این فرض نهاد که - به احتمال قریب به یقین - پیام زرتشت را شاگردان و پیروان او به‌مراتب درست‌تر درک کرده‌اند تا پژوهشگرانی که در دامان فرهنگ و کیشی کاملاً بیگانه و هزاران سال بعد، تنها با انگیزه کنجکاوی روشنفکرانه درصدد کشف و پیدا کردن معنای آن برآمده‌اند. از این رو در سراسر این کتاب تکیه بر سنت زرتشتیگری است. سنتی که آشکارا در تمام طول تاریخ تا زمان تأثیر اروپای سده نوزدهم نهایت قدرتمندی و یکدستی را از خود نشان داده بود.

در آغاز نیست این بود برآوردی کوتاه از انواع تفسیرهایی که در دهه‌های اخیر از زرتشتیگری شده است. بر این پیشگفتار آورده شود. اما روشن شد که تا تحولات قبلی بررسی نشود، این کار سودمند نخواهد بود. چنین برآوردی پیوسته جلد چهارم خواهد شد. اما طبعاً در سرتاسر اثر، اشاراتی به طرز پژوهشگران می‌شود.

یکی از مشکلات که اهمیت تدوین تاریخ زرتشتیگری، چگونگی تلفظ و املاهای اسامی خاص و اصطلاحات فنی است که در زبان‌های مختلف و اعصار گوناگون یکسان نبوده است. در روزگار باستان [زبان] اوستایی بررسی کهن رواج داشت. سپس نوبت پارتی و پارسی میانه (پهلوی) رسید و امروزه باز می‌بینیم که زبان پارتی و زرتشتیان ایرانی دوگانگی پیدا شده است. از آنجا که متن‌های زرتشتی پیش از این در متن‌های اوستایی و پهلوی به‌جا مانده‌اند، این دو شکل ترجیح داده شد. با وجود این گاهی به سبب تفاوت این متن‌ها چاره‌ای جز به هم آمیختن اصطلاحات اوستایی و پارسی میانه نیست. در املاهای اصطلاحات، هر جا که در مطلب آشفتگی پدید می‌آورد، از کاربرد علائم پژوهشگرانه پرهیز شده است. به‌خصوص در مورد هجای بی‌صدایی که از بیخ حلق ادا شده و با علامت X نشان داده می‌شود. در اینجا این هجا با نشانه KH نشان داده شده است (مگر آنجایی که تمام عبارت به‌اوستایی یا پهلوی املا شده است). کاربرد S برای هجای بی‌صدایی که با سقف دهان تلفظ می‌شود به‌کار رفته است، مگر در موارد معدود که اسم شخص یا مکان چنان مشهور است که کاربرد این علامت در آغاز واژه شگفت‌آور می‌نماید (مانند اسامی «شاهپور» یا «شیراز» که از حروف انگلیسی SH استفاده شد). به جای «CH» و «ZH» علامت‌های Z و C به کار رفته است.

مشکل اساسی‌تر ناشی از طبیعت مآخذ و منابع است. روحانیان زرتشتی مدت‌های مدید از کاربرد وسیله بیگانه «نوشتن» برای ثبت و ضبط آثار مذهبی و متن‌های مقدس خویش احتراز می‌کرده‌اند. هیچ متن مذهبی زرتشتی را نمی‌توان پیدا کرد که پیش از قرن سوم میلادی به‌رشته تحریر درآمده و در کسوت خط، محدود و محصور شده باشد. بیشتر آنچه در آن زمان و پس از آن نوشته شده، حاوی مطالبی بسیار کهن‌تر و باستانی‌تر است که این امر، باعث

دشواری در تشخیص این عوامل و عناصر باستانی و دوره و زمانی که به آن تعلق دارند، می شود. برای حل این مشکل، معمولاً مجموع متون پهلوی را به دوره ساسانی منتسب می کنند که سبب نتیجه گیری های ناهنجار و ناروا می گردد. مثلاً سبب می شود تا کیهان شناسی وسیع و گسترده ای را که آموزه های زرتشت بر پایه آن استوار است، کم و بیش از تألیفات دوره نسبتاً جدید و سفسطه آمیز ساسانی بدانیم. در این کتاب روش دیگری پیش گرفته شده است و به منابع متأخرتر، تنها آن گاه رجوع شده که نهایت لزوم، محسوس بوده و هر جا لازم بوده است یادآوری های مناسب شده که باورهای روزگار پیش از تاریخ کدامند.

در نوشتن نخستین جلد (و جلد های بعدی تاریخ کیش زرتشت) سخت مدیون دوستان زرتشتی هستم که من کتاب به آنان تقدیم شده است - می باشم. از کمک ها و راهنمایی های بی اندازه س. و. وتمندانه آنان شرمندهام. هر زرتشتی با تأسف اقرار می کند که چون سه نفر زرتشتی گرد هم آیند، روزی از دست را سه گونه تعبیر و تفسیر خواهند کرد. پس انتظار ندارم نتایجی که در این کتاب یافته می شود، مورد پسند همه آنان قرار گیرد. امیدوارم باور داشته باشند که تألیف این کتاب کوشش من بوده و صادقانه برای پیدا کردن حقیقت بوده است. به خصوص وامدار آقای م. ای. اسکات، سوک، خانه دانشگاه کمبریج هستم که مرا بی دریغ در پیدا کردن مأخذ و منابع مدد رساند و بحث و گفتگو نکات مهم را برای من روشن کرد. پروفیسور «پل تیمه» با مکاتباتی که با من کرد مرا بیش از آنچه از کتاب هایش سود برده بودم فایده رساند. مدیون دوکتر ایلیا گرشویچ هستم که با مخالفت سرسختانه با بسیاری از نظراتم مرا به تأمل و تفکر بیشتر و عمیق تر وادار ساخت. از گفتگوهای مکرر با دوکتر الف. دی. اچ. بی وار، دانشمند باستان شناس و دستیار سابق او دوکتر علیا، ر. شهبازی بهره فراوان برده ام. پژوهشگرانی که با فرستادن ارجاعات، مقالات، کتاب های کم و بیش یا کپی های مربوط، مرا مرهون الطاف خویش کرده اند، عبارتند از:

پروفیسور سر هارولد بیلی

پروفیسور ای. ام. دیاکونف

پروفیسور دوشن گیمن

آقای گوردون واسون

پروفیسور جاکوب نیوسنر

پروفیسور آر. ئی. ئمریک

پروفیسور مارتین شوارتز

دکتر پی. کی. انکلساریا

دکتر احمد تفضلی

خانم هلن پوتامیانوس

آقای بلا بروکانسکی.

آقای جی. ر. هینلز نمونه‌های چاپی را با بزرگواری مطالعه کردند. از پروفیسور پی. اسپولر و مؤسسه انتشاراتی بریل، که بردباری بیش از حد نشان دادند تا رساله‌ی سی صفحه‌ای مربوط به زرتشتیگری در Handbuch der Orientalistik تبدیل به طرح چهارجلدی کتاب حاضر شود، بی‌اندازه متشکرم.

www.ketab.ir